نکته‌بازی

اتفاقاً بقیه هم منتظرند

بعد از خروج ناگهانی یورگن لوکادیا از ایران که ۴۸ساعت پیش از دربی تهران رخ داد، شایعات زیادی منتشر شد مبنی بر اینکه شیخ دیاباته هم تصمیم مشابهی گرفته و قصد دارد تهران را ترک کند. با این حال مهاجم مالیایی سرخ‌پوشان با انتشار یک ویدئو به شایعات پایان داد و مدعی شد اراده‌ای برای ترک ایران ندارد. دیاباته گفته: «حال من در ایران خوب است و دنبال فرصتی می‌گردم که برای تیم بازی کنم و گل بزنم.» خب البته از اینکه حال شیخ خوب است خوشحالیم، اما با آن بخش دوم کمی کار داریم. نه‌تنها خود دیاباته، بلکه بقیه هم منتظرند که او بازی کند و گل بزند. استاد از وقتی آمده یکسره مصدوم بوده و در این شرایط حضورش در ایران فرقی با عدم‌حضور ندارد!

واقعاً که عجب گروه سختی!

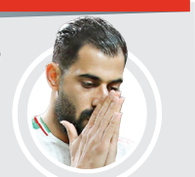

با پایان مسابقات جام‌جهانی، تحلیل‌ها و جمع‌بندی‌های مختلف در مورد این مسابقات شدت گرفته و ازجمله ترکیب‌های منتخبی در مورد بهترین و بدترین‌های جام به انتشار می‌رسد. در یک نمونه روزنامه اکیپ فرانسه ترکیب منتخب بدترین بازیکنان جام‌جهانی را منتشر کرده که تیم ملی ایران هم در آن یک نماینده دارد. محمدحسین کنعانی‌زادگان، مدافع تیم ایران که در ۴۵دقیقه دوم بازی با انگلیس به میدان رفت، در همان فرصت کوتاه شایستگی‌های خودش را برای حضور در چنین ترکیبی نشان داد! غیراز این، گرت بیل و هنسی هم از ولز در ترکیب تیم بدترین‌های جام قرار گرفته‌اند که در نوع خودش جالب است. حضور یک بازیکن از ایران و ۲بازیکن از ولز نشان می‌دهد به قول راجر دسا، دستیار کارلوس کی‌روش چقدر گروه تیم کشورمان سخت بوده است!

ادامه همان روند درخشان

معمولا اینطوری است که تعطیلات طولانی در لیگ، سیر حرکتی تیم‌های مختلف را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. خیلی از مواقع تیم‌ها بعد از تعطیلات، کاملا دگرگون ظاهر می‌شوند؛ خوب‌ها ضعیف جلوه می‌کنند و ضعیف‌ها اوج می‌گیرند. با وجود این نفت مسجدسلیمان مطلقا اسیر چنین شرایطی نشد و خیلی محکم و مقتدر به روند شکست‌های پرگل خود ادامه داد! پس از جام‌جهانی و در آغاز مسابقات هفته دوازدهم، نفت با نتیجه ۴بر یک در برابر فولاد شکست خورد و به تیم بحران‌زده جواد نکونام تنفس مصنوعی داد. نفت که با ۲۹گل خورده ضعیف‌ترین خط دفاعی لیگ برتر را در اختیار دارد، فقط در ۵مسابقه آخر خود ۱۷گل دریافت کرده که واقعا جای تقدیر دارد. ۲شکست ۵گله برابر گل‌گهر و ذوب‌آهن از جمله همین باخت‌ها بوده است.

برنده ساختگی!

مهدی تاج اصلا شباهتی به یک برنده ندارد، حتی اگر به زمین و زمان کنایه بزند و در ژست یک برنده فرو برود

اینکه خیال مهدی تاج تا این اندازه نسبت به همه‌چیز راحت است، در نوع خودش عجیب به‌نظر می‌رسد اما اینکه رئیس فدراسیون فوتبال ایران انتظار دارد دیگران هم مساعد بودن شرایط را باور داشته باشند و خیال‌شان به همین اندازه راحت باشد، حیرت‌آور است. حتی رئیس فدراسیون فوتبال آرژانتین نیز بعد از قهرمانی تاریخی کشورش در جهان با چنین اعتماد به نفسی روبه‌روی دوربین‌ها ظاهر نشده و چنین حرف‌های عجیبی را به زبان نیاورده است. مهدی تاج عملا برای دهن‌کجی به منتقدانش به تلویزیون رفته بود وبه محض روبه‌رو شدن با نخستین سؤال‌های انتقادی، با مشتی طعنه و کنایه پاسخ داد و عبارت‌هایی تحقیرآمیز را علیه دو مجری به کار برد.

مهدی تاج دقیقا به چه چیزی افتخار می‌کند؟ اینکه جریمه ایران برای قرارداد ویلموتس از ۹میلیون یورو به ۶میلیون یورو کاهش پیدا کرده واقعا افتخارآمیز است؟ اینکه قرار است پول فیفا به جای کمک به رشد و توسعه فوتبال ایران صرف پرداخت به مرد بلژیکی شود، افتخارآمیز است؟ افرادی که مهدی تاج را با وجود چنین قرارداد افتضاحی دوباره به فوتبال ایران برگرداندند، باید پاسخگوی این وضعیت باشند. چرا که بعید است خود تاج علاقه‌ای به پاسخگویی از خودش نشان بدهد. او در آستانه جام‌جهانی ۲۰۲۲، سرمربی موفق تیم ملی را بعد از چندین و چند نتیجه خوب برکنار کرد تا کارلوس کی‌روش را به جای او روی نیمکت قرار بدهد. هدف از چنین انتحاری نیز، نتیجه گرفتن در جام‌جهانی و صعود از گروه بود. ایران اما نه‌تنها از گروهش صعود نکرد، بلکه یک شکست خجالت‌آور را روبه‌روی انگلیس پشت سر گذاشت. ایران که بدترین باخت همه تاریخش را در جام‌جهانی سپری کرده بود، به آمریکا هم باخت تا دیگر عملا به ۸آذر افتخار نکند. ایران نه‌تنها از گروهش رد نشد بلکه با دریافت ۷گل از انگلیس و آمریکا، به بن‌بست رسید و جام بسیار بدی را پشت سر گذاشت.

در چنین شرایطی اما مهدی تاج به بردن تیم ولز به‌عنوان یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های جام افتخار می‌کند. با چنین نگاهی، فوتبال ایران هرگز طعم پیشرفت را نخواهد چشید. با این ادبیات خاص و این فرو رفتن در ژست یک برنده، انگار این مهدی تاج است که توانسته تیم ملی کشورش را قهرمان جهان کند یا حداقل به دور حذفی برساند! یک نفر باید آقای رئیس را از این خواب طولانی جدا کند. او نه یک برنده است و نه یک مدیر موفق به‌حساب می‌آید. اشاره به سابقه طولانی‌اش در کار مدیریت نیز با توجه به نتایج افتضاح اخیر، همه‌چیز را بدتر خواهد کرد. اگر او بعد از این سابقه عجیب، هنوز نمی‌تواند تصمیم‌های خوبی بگیرد، بهتر است از فوتبال جدا شود و به فکر حوزه‌های دیگری برای مدیریت باشد. او براساس چه پشتوانه‌ای این چنین خودش را بی‌نیاز از جواب دادن می‌داند؟ او بر چه اساسی این چنین راه خودش را از پاسخگویی جدا می‌کند؟ او اصلا شباهتی به یک برنده ندارد. حتی اگر به زمین و زمان کنایه بزنند. حتی اگر در ژست یک برنده فرو برود. حتی اگر به همین سادگی از حقیقت فاصله بگیرد.

مهدی تاج دقیقا به چه چیزی افتخار می‌کند؟ اینکه جریمه ایران برای قرارداد ویلموتس از ۹میلیون یورو به ۶میلیون یورو کاهش پیدا کرده واقعا افتخارآمیز است؟ اینکه قرار است پول فیفا به جای کمک به رشد و توسعه فوتبال ایران صرف پرداخت به مرد بلژیکی شود افتخارآمیز است؟

عربستان مثل ما باخت؟ واقعاً؟

یک سؤال از مهدی تاج که به زور می‌خواهد کی‌روش را نگه‌دارد

روشن است که مهدی تاج تصمیم گرفته کارلوس کی‌روش را به‌عنوان سرمربی تیم ملی ایران حفظ کند. اگر هم او هنوز این موضوع را با قاطعیت تأیید نمی‌کند، احتمالاً فقط به‌خاطر فضای حاکم بر افکار عمومی است وگرنه انتظار می‌رود کمی بعد که آب‌ها از آسیاب افتاد، تاج به‌طور رسمی خبر حفظ مربی پرتغالی را اعلام کند. رئیس فدراسیون فوتبال در آخرین مصاحبه تلویزیونی‌اش نشانه‌های آشکاری مبنی بر این علاقه بروز داده است. تاج در بخشی از سخنانش، عربستان را با ایران مقایسه کرد و گفت: «خیلی تیم‌ها مثل قطر که میزبان مسابقات هم بود خوب نتیجه نگرفتند اما کادرفنی خود را تغییر ندادند. قطر و عربستان بعد از باخت سرمربی تیم‌شان را عوض نکردند. عربستان هم مثل ما باخت. ما هم به همین قهرمان جهان یک بر صفر باختیم و ولز را بردیم. می‌خواهید کی‌روش را بکوبید؟» اظهارات تاج در مورد مقایسه ایران و عربستان حیرت‌انگیز است. تیم ملی ایران بدترین شکست تاریخش را در برابر انگلستان تجربه کرد، درحالی‌که عربستان تنها باخت ۳سال اخیر آرژانتین را رقم زد. رئیس فدراسیون فوتبال در حالی هنوز پز شکست یک بر صفر ۸سال پیش به آرژانتین را می‌دهد که روشن نیست اگر به جای همتای عربستانی‌اش بود و آن کامبک جانانه را مقابل آلبی‌سلسته می‌زد، چه می‌گفت. به علاوه عربستان در سایر مسابقات این دوره هم نمایش خوبی داشت. حتی همان قطر که بد نتیجه گرفت، لااقل با سرمربی فعلی‌اش قهرمانی در آسیا را تجربه کرده است. ما اما به چه چیز کی‌روش دل خوش کنیم؟

سوژه روز

نفس آبادان برگشت

برزیل حذف شد و صنعت‌نفت هم در خطر سقوط بود اما انگار تاوارس قرار است آبادانی‌ها را از یک تراژدی کامل نجات دهد

در شروع دوباره لیگ برتر فوتبال ایران، مهم‌ترین اتفاق هفته دوازدهم شاید پیروزی نفت آبادان در زمین نساجی بود که می‌تواند نویدبخش بازگشت برزیلی‌ها به روزهای خوبشان باشد. آبادانی‌ها در این فصل روزهای سختی را سپری کرده‌اند. آنها لیگ ۲۱ را با مربی کم‌نام‌ونشانی به‌نام رضا پرکاس آغاز کردند که هیچ سابقه‌ای در سطح اول فوتبال ایران نداشت و در نهایت بعد از ۶بازی و کسب فقط ۴امتیاز تیم محبوب آبادانی‌ها را در پله ماقبل‌آخر جدول ترک کرد و رفت. جانشین او مردی بود که در سال‌های اخیر فقط برای تفنن و شوخی و البته کسب درآمد روی نیمکت تیم‌ها می‌نشیند. فیروز کریمی قبل از اینکه رسما به ترکیه مهاجرت کند، در آخرین تجربه مربیگری در ایران ۵هفته روی نیمکت صنعت‌نفت نشست و فقط ۲امتیاز گرفت. او که تیم را در پله پانزدهم تحویل گرفته بود، آن یک پله باقیمانده را هم سقوط کرد و برزیلی‌ها را در رتبه شانزدهم جدول نشاند. در این مقطع، لیگ برتر ایران به‌خاطر جام‌جهانی تعطیل شد. جالب اینکه در جام‌جهانی هم تیم ملی برزیل عاقبت‌به‌خیر نشد تا در آن رقابت‌ها هم آبادانی‌های هوادار برزیل هیچ سهمی از شادی نداشته باشند. در این فاصله ادسون تاوارس به آبادان رفت و هدایت زردپوشان قعرنشین را پذیرفت. این سرمربی برزیلی قبلا سابقه کوتاهی در ایران داشته و مدتی روی نیمکت سپاهان نشسته بود. او برای آبادانی‌های عشق‌برزیل به نوعی یک مربی بومی محسوب می‌شد و شاید هواداران صنعت‌نفت در فصل بدشان می‌توانستند این یک اتفاق را به فال نیک بگیرند. اما شاید قابل پیش‌بینی نبود که تاوارس لااقل به این زودی آبادانی‌ها را به مسیر پیروزی برساند. او در نخستین بازی‌اش به زمین تیمی رفت که در این فصل با حمید مطهری نتایج جالبی گرفته و پیش‌تر تیم‌های بزرگی چون فولاد و گل‌گهر را شکست داده بود. اما نفتی‌ها در یک روز خوب با ۲گل این تیم را بردند و به اندازه نصف ۱۱بازی قبلی امتیاز گرفتند. جالب اینکه گل‌های نفت را خالدی و تهی‌دست زدند که معمولا بازیکنان گلزنی نیستند. برزیلی‌ها با این پیروزی ۹امتیازی شدند و بعد از مدت‌ها رتبه آخر جدول را تحویل دادند. حالا در انتهای جدول تیم تاوارس هم‌امتیاز با نفت مسجدسلیمان و مس کرمان و فقط با یک امتیاز کمتر نسبت به ملوان، امیدوار است به‌زودی از منطقه سقوط فرار کند. البته این تیم در ۳هفته باقیمانده از نیم‌فصل اول ۳بازی سخت مقابل استقلال، ذوب‌آهن و گل‌گهر دارد و شاید لازم باشد برای رسیدن به رتبه‌های مطمئن تا شروع نیم‌فصل دوم صبر کند.

آماربازی — متریکا

7/53

تیم مدعی سپاهان در شروع دوباره لیگ برتر در انزلی متوقف شد و از زمینی که استقلال و پرسپولیس در آن ۳امتیاز گرفته بودند با یک امتیاز بازگشت. شاگردان ژوزه مورایس در این مسابقه به امید گل ۰,۹۳ رسیدند اما این XG (امید گل) هم برای زدن یک گل کافی نبود و بازی بدون گل تمام شد. سپاهان در این مسابقه ۱۴شوت زد (دقیقا دوبرابر تیم میزبان) و تعداد شوت‌های داخل چارچوب هم ۳بر ۲ به سود سپاهان بود. جالب اینکه بیشترین شوت‌ها را رامین رضاییان زد که در بازگشت از جام‌جهانی با یک آمادگی خوب ۴شوت زد و جزو ۳بازیکن برتر تیمش بود. بهترین بازیکن این میدان ایمان صادقی، دروازه‌بان ملوان بود که از سایت متریکا نمره ۷,۵۳ را دریافت کرد.

8/10

بهترین بازیکن بازی ذوب‌آهن و آلومینیوم نیز یک صادقی دیگر بود که تک‌گل مسابقه را زد و دروازه آلومینیوم را بعد از ۱۰۵روز باز کرد. آلومینیوم از روز ۱۴شهریور و شکست ۲ بر صفر مقابل تراکتور (هفته پنجم) دیگر گلی دریافت نکرده بود اما دوشنبه و در شروع دوباره لیگ برتر صادق صادقی با شوتی سنگین از پشت محوطه جریمه دروازه این تیم را در همان نیمه اول باز کرد. جالب اینکه صادقی در این مسابقه فقط همین یک شوت را زد! البته او ۴پاس کلیدی و ۳ عملکرد دفاعی هم داشت و با دقت پاس ۸۰درصدی نمره ۸,۱۰ را از متریکا دریافت کرد تا بهترین بازیکن میدان باشد. در تیم آلومینیوم هیچ بازیکنی در این مسابقه نمره بالاتر از ۷ نگرفت.

8/51

بازی فولاد و نفت مسجدسلیمان در شروع هفته دوازدهم با نتیجه ۴بر یک به سود میهمان تمام شد تا روند شکست‌های پرگل مسجدسلیمانی‌ها باز هم ادامه پیدا کند. تیم رضا مهاجری در ۶بازی اخیرش ۲ باخت ۴ گله و ۲باخت ۵گله را متحمل شده است. در مصاف دوشنبه فولاد و نفت، نخستین و آخرین گل‌های بازی را موسی کولیبالی زد و همین مدافع با کسب نمره عالی ۸,۵۱ بهترین بازیکن میدان هم شناخته شد. موسی در این بازی ۲ضربه به سمت دروازه حریف زد که هر ۲ضربه داخل چارچوب بود و تبدیل به گل شد. دیگر بازیکنان برتر فولاد در این میدان حمید بوحمدان با نمره ۷,۷۳ و ساسان انصاری با نمره ۷,۵۱ بودند.

فرمول ناموفق

چرا باید کمی نگران حضور فرهاد مجیدی در تیم ملی باشیم؟

بعد از حذف تیم ملی ایران از جام‌جهانی، اخبار زیادی در مورد کادرفنی این تیم شایعه شده است. بسیاری بر این باورند که دوران کارلوس کی‌روش به سر رسیده و باید سراغ مربیان دیگری برویم. در این میان عملکرد موفقیت‌آمیز مربیان بومی در جام‌جهانی باعث شده خیلی‌ها حس کنند ما هم در تیم ملی ایران باید مربی داخلی داشته باشیم. در همین راستا، نام فرهاد مجیدی زیاد به گوش می‌رسد؛ سرمربی فعلی الاتحاد کلبا که فصل گذشته با استقلال قهرمان لیگ برتر شد. حتی مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال هم به نوعی تأیید کرده که نام مجیدی بین گزینه‌ها هست. هم‌اکنون نمی‌دانیم فرهاد چقدر به نیمکت تیم ملی نزدیک است، اما به‌طور کلی نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه شاید برگزیدن او برای چنین سمتی در برهه کنونی آنقدرها منطقی نباشد.

ایده‌ای که موفق نبود

طبیعتا عمده توجهات به فرهاد مجیدی به‌خاطر این است که او یک قهرمانی طلسم‌شکن با استقلال به‌دست آورده. مجیدی در شرایطی توانست با آبی‌ها فاتح لیگ برتر شود که این تیم در بازه زمانی ۹سال پیش از آن نتوانسته بود قهرمانی در این مسابقات را تجربه کند. البته که این، موفقیت بزرگی بود. با این حال باید به یاد بیاوریم در دهه هشتاد ۳مربی ایرانی دیگر دقیقا با همین فرمول و به همین سبک روی نیمکت تیم ملی ایران نشستند که هیچ‌کدام موفق نبودند. امیر قلعه‌نویی در لیگ پنجم استقلال را بعد از ۶سال قهرمان کرد و نیمکت تیم ملی را پاداش گرفت، علی دایی در لیگ ششم سایپا را بعد از ۱۲سال قهرمان کشور کرد و سرمربی تیم ملی شد، افشین قطبی هم در لیگ هفتم پس از ۶سال پرسپولیس را به جام رساند و همین پاداش را گرفت. درنهایت اما کدام‌یک از این ۳مربی موفق بودند؟ هیچ‌کدام. هر ۳آمدند، سوختند و رفتند. نتایج بدی که این ۳نفر گرفتند باعث شد بسیاری از تحلیلگران از «عجله» مسئولان فدراسیون فوتبال ایران برای انتخاب آنها گلایه کنند. حالا چه تضمینی وجود دارد که یکی مثل مجیدی پس از تنها یک قهرمانی در لیگ روی نیمکت تیم ملی بنشیند و همان اتفاق تکرار نشود؟ به این ترتیب ممکن است تیم ملی و خود فرهاد متضرر شوند و فرصت یک همکاری ایده‌آل در شرایطی مناسب‌تر را از دست بدهند.

خارجی‌ستیزی کور

دیگر نکته منفی، شباهت فضای این روزهای فوتبال ایران به اتمسفر بعد از جام‌جهانی ۲۰۰۶است. ۱۶سال پیش هم که تیم ایران با برانکو در آلمان ناموفق ماند، موجی از خارجی‌ستیزی کور به‌وجود آمد و به قول رایج آن روزها «خرد جمعی» حکم به انتخاب سرمربیان داخلی داد. در ادامه اما دیدیم که این روند موفقیت‌آمیز نبود و حضور کارلوس کی‌روش، به‌خصوص در سال‌های ابتدایی به فوتبال ملی ایران کمک کرد. حالا هم درست است که کی‌روش به آخر خط رسیده، اما هیچ دلیل محکمه‌پسندی وجود ندارد که همه مربیان خارجی دیگر در فوتبال ایران نتیجه نگیرند. چه بسا اگر ۳سال پیش هروه رنار سرمربی تیم ملی شده بود، الان شرایط به کلی فرق می‌کرد. در نتیجه خوب نیست به‌طور کلی و چشم‌بسته قید دانش وارداتی را بزنیم. مطمئن باشید مربیان خارجی خوبی پیدا خواهند شد که حتی با بودجه موجود در فدراسیون به کار تیم ملی بیایند.

«باد» تو را خواهد برد

با شروع مسابقات لیگ برتر و معرفی ژوزه مورایس به‌عنوان سرمربی سپاهان، موج بسیار مثبتی در مورد این مربی پرتغالی به‌وجود آمد. سوابق او و کادرش بسیار قابل اعتنا بود و به علاوه رفتار محترمانه مورایس هم نظر هر مخاطبی را جلب می‌کرد. ستایش‌ها از این مربی به‌خصوص زمانی اوج گرفت که او در هفته اول موفق به شکست استقلال در ورزشگاه آزادی شد و پس از آن برای تماشای مسابقه پرسپولیس یک سفر کوتاه و سریع دیگر به تهران انجام داد. همه فکر می‌کردند تیم ثروتمند سپاهان که امسال از هر زمان دیگری پرمهره‌تر بسته شده، حالا راهش را پیدا کرده و قرار است مورایس تیم را به سمت قهرمانی هدایت کند. این هدف آنقدر برای سپاهانی‌ها جذاب بود که باعث شد آنها قید اسطوره باشگاه یعنی محرم نوید کیا را بزنند و این مربی را با وجود نتایج نسبتا خوبی که کسب کرده بود، کنار بگذارند.

ماه‌عسل مورایس در اصفهان اما خیلی زودتر از حد انتظار به پایان رسید. البته که این مربی هنوز هم در زمره آدم‌های دوست‌داشتنی لیگ قرار می‌گیرد اما در درجه اول عدم‌ثبات سپاهان توی ذوق می‌زند. طلایی‌پوشان اصفهانی در هفته دوازدهم لیگ برتر در خانه ملوان تن به تساوی بدون گل دادند تا ۲امتیاز دیگر از کف‌شان برود. طبیعی است که اگر تیمی قصد قهرمانی داشته باشد، باید امتیازات کامل چنین مسابقاتی را جمع کند، اما سپاهان مورایس بیش از حد دست‌ودلباز است. آنها ۶مسابقه از ۱۲مسابقه خود را با تساوی پشت سر گذاشته‌اند که برای یک تیم مدعی اصلا عملکرد خوبی نیست. سپاهان در ۶بازی دیگر ۵پیروزی و یک شکست را تجربه کرده؛ آنچه باعث شده این تیم با ۲۱امتیاز میانگین ۱,۷۵امتیاز از هر مسابقه را به ثبت برساند. درنظر داشته باشید این آمار در حالی است که محرم نوید کیا روی نیمکت سپاهان به میانگین بیش از ۲امتیاز از هر بازی هم دست یافته بود.

بدتر از همه اینکه مورایس کم‌کم رو به بهانه‌گیری آورده و ازجمله در پایان بازی با ملوان، از نم داشتن زمین و کم‌باد بودن توپ‌ها گلایه کرده است. نمی‌دانیم که آیا ممکن است همه توپ‌های یک مسابقه کم‌باد باشند یا نه اما حتی درصورت صحت موضوع هم این شرایط برای هر دو تیم یکسان بوده است و نمی‌توان عذر سرمربی سپاهان را پذیرفت.

لیگ برتر ایران (جام خلیج فارس)

رتبه	تیم	بازی‌ها	برد	مساوی	باخت	گل +/-	تفاضل گل	امتیاز
۱	پرسپولیس	۱۲	۷	۴	۱	۱۳-۵	۸	۲۵
۲	گل‌گهر	۱۲	۷	۳	۲	۱۹-۱۰	۹	۲۴
۳	استقلال	۱۲	۶	۵	۱	۱۴-۸	۶	۲۳
۴	سپاهان	۱۲	۵	۶	۱	۱۵-۸	۷	۲۱
۵	تراکتور	۱۲	۵	۳	۴	۱۵-۱۴	۱	۱۸
۶	مس رفسنجان	۱۲	۳	۸	۱	۷-۴	۳	۱۷
۷	ذوب‌آهن	۱۲	۳	۷	۲	۱۰-۶	۴	۱۶
۸	آلومینیوم	۱۲	۴	۴	۴	۷-۵	۲	۱۶
۹	نساجی	۱۲	۴	۴	۴	۱۴-۱۴	۰	۱۶
۱۰	فولاد	۱۲	۳	۶	۳	۱۲-۱۳	۱	۱۵
۱۱	هوادار	۱۲	۳	۳	۶	۹-۱۳	-۴	۱۲
۱۲	پیکان	۱۲	۲	۶	۴	۶-۱۰	-۴	۱۲
۱۳	ملوان	۱۲	۲	۴	۶	۱۰-۱۴	-۴	۱۰
۱۴	مس کرمان	۱۲	۲	۳	۷	۹-۱۴	-۵	۹
۱۵	صنعت نفت	۱۲	۲	۳	۷	۷-۱۴	-۷	۹
۱۶	نفت مسجد سلیمان	۱۲	۲	۳	۷	۱۲-۲۹	-۱۷	۹